

الرحلة الكربلائية

آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله

تحقيق على رفيعى علامرودشتى

بخش پنجم

۴۶. و منهم: الشيخ غلامحسين المرندى^۱. كان مدرّساً، يدرّس كفاية الاصول لاستاذة الآخوند ملا محمد كاظم الخراساني ويصلّي ليلاً في الصّحن، قريباً من الباب الزينبي ونروي عنه بالاجازة.

۴۷. و منهم: السيّد هاشم القزويني^۲، من أسرة صاحب الضوابط و بني اعمامه

۱. شيخ غلامحسين مرندى (متوفى حدود ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۳ يا ۱۹۲۴ م) عالم فاضل و فقيه اصولى و از شيوخ اجازة آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله كه شرح حالش در بخش اول (الرحلة الكربلائية) در قسمت كسانى كه آيت الله العظمى مرعشى از آنها روايت کرده، به شماره ۷، گذشت.

۲. سيد هاشم بن سيد محمد على بن سيد عبد الكريم قزوينى حائرى (متوفى ۱۳۲۷ ق/ ۱۹۰۹ م) عالم فاضل و داراى مكان والايبى در فقه و اصول.

وى فقه را از صاحب جواهر نجفى و اصول را از شيخ مرتضى انصارى فراگرفت و همچنين از سيد محمد قزوينى و جمعى ديگر دانش آموخت و به مدارج بالاى علمى دست يافت و سپس به كربلا بازگشت و به تدريس مشغول گرديد و شاگردان فراوانى تربيت كرد. ميرزا حسين نورى او را عالمى فاضل، پارسا و متقى خوانده است كه در كربلاى معلّى داراى رياست و وجاهت فراوانى بوده و در صحن مطهر حضرت ابو الفضل العباس رحمته الله به اقامه جماعت مى پرداخت و معروف به صلاح و توثيق بود. او پسر عمّ سيد ابراهيم صاحب ضوابط است.

وى داراى دو فرزند به نام سيد ابراهيم (يا محمد ابراهيم) و سيد حسين و يا سيد محمدرضا بوده است و در روز جمعه ۲۹ شوال ۱۳۲۷، در كربلا ديده از جهان فرو بست و در کنار پسر عمّ خود صاحب ضوابط در يكي از حجره هاى صحن مطهر امام حسين رحمته الله به خاک سپرده شد. او كتابخانه اى در كربلا تاسيس كرد كه حاوى كتابهاى فقهى، اصول، كلام و حديث بود و بيشتر كتابهاى موجود در آن خطّى كه مهم ترين آنها كتاب احقاق الحق بوده است. اين كتابخانه پس از وفات وى تعطيل و كتابهاى آن پراكنده گرديد و بخشى از آنها به كتابخانه جعفرى هدا گرديد و بخشى ديگر، تحت تصرف حفيد وى سيد محمد كاظم بن سيد محمد ابراهيم قزوينى درآمد و آقا بزرگ تهرانى، شماری از اين آثار را در كتاب الذريعة معرفى کرده است: تراث كربلاء، ص ۱۴۹ - ۱۵۰، ۳۳۱؛ ميراث كربلا، ص ۱۴۹؛ تاريخ الحركة العلمية فى كربلا، ص ۶۲، ۲۲۸ - ۲۲۹، ۳۱۲ - ۳۱۳؛ اعيان الشيعة، ۱۰/ ۲۵۲، ۲۵۹؛ تاريخ مرقد الحسين والعباس رحمته الله، ص ۲۲۳.

و هو والد السيدین السنديں السيد ابراهيم والسيد حسين وكان السيد هاشم علامة، فقيهاً، محدثاً.

۴۸. ومنهم: السيد كلب باقر الهندي الجائسي.^۱ من اجلة العلماء والمتكلمين.

وله منظومة في الكلام مشهورة وهو والد السيد كلب مهدي^۲ - ادام الله برکته.

۴۹. و منهم: السيد حسن الرضوي الكشميري^۳ العلامة الفقيه، والد السادة

۱. مولانا سيد كلب باقر بن سيد كلب حسين بن مولوي محمد حسين بن مولوي علي سجاد حسيني نقوي نصيرآبادي هندی حائري (۱۲۳۵ یا ۱۲۶۵ - ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۱ ق/ ۱۸۱۹ یا ۱۸۴۹ - ۱۹۱۱ یا ۱۹۱۳ م) عالم فاضل، فقيه، حكيم، متكلم، مفسر، اديب و شاعر و آگاه به حديث و تاريخ.

او در نصيرآباد به دنيا آمد و پرورش يافت و در همانجا به تحصيل مقدمات پرداخت و آنگاه به لکهنو سفر کرد و به تحصيلات خود ادامه داد و پس از چندی به عراق مسافرت نمود و در ۱۲۹۷ قمری، در کربلا سکونت کرد و از علما و بزرگانی مانند شيخ زين العابدين مازندرانی، سيد علي يزدي، شيخ حسين فاضل اردکاني، سيد حسين بهبهانی دانش آموخت و از اين دو نفر آخر اجازه روايتی دريافت کرد و نیز از کسانی مانند محمد سعيد بن محمود بن سعيد نجفی، آيت الله محمد تقی شیرازی، عباس نجفی و سيد کاظم يزدي اجازه دريافت نمود. او فردي فقيه و بسيار پارسا بود و اشعار عربي را با لطافت و معنويت خاصی می سرود و به اردو نیز، اشعاری دارد. وی مدير اوقاف و املاک راجه ابو جعفر و ناظر تقسيم وقف نواب مبارک محل لکهنو بود و در مقابل، پانصد روپيه به طور جداگانه حقوق دريافت می کرد.

کسانی مانند مولا سبط نبی، مولانا يوسف حسين و فرزندش کلب مهدي از او دانش آموخته و روايت کرده اند. تصانيف او عبارتند از: «دلائل الخيرات في العقائد» يا «دليل الخيرات»؛ «منظومة عربية»؛ «درة الفاخرة»؛ «فقه»؛ «منظومة في الحكمة»؛ «منظومة في الاطعمة والاشربة» يعني «منظومة في الموائد»؛ «شرح ارجوزة شيخ محمد علي»؛ «منظومة في الوجود والماهية». او در ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۱ قمری در کربلا دیده فرو بست و در آنجا به خاک سپرده شد: الاعلام بمن فی تاريخ الهند من الاعلام (نزهة الخواطر، بهجة المسامع والنواظر)، ۱۳۳۴/۸؛ تاريخ الحركة العلمية فی کربلاء، ص ۱۵۱ - ۱۵۲؛ مطلع انوار صدر الافاضل، ص ۴۶۰ - ۴۶۱؛ اعيان الشيعة، ۳۲/۹ - ۳۳؛ الذريعة، ۶۵/۱، ۴۶۲، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۱، ۵۰۰، ۵۱۵، ۴۴۷/۴ و ۱۳۰/۸، ۲۵۰ و ۱۲۰/۹، ۹۱۴، ۱۲۲۰ و ۲۶۱/۱۳ و ۱۷۱/۱۵ و ۲۰۸/۱۷ و ۲۴/۱۸ و ۶۶/۱۹ و ۲۴۱ و ۳۰۲/۲۰ و ۱۰۵/۲۳، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۴۶ و ۳۹/۲۵. الاجازة الكبيرة مرعشی، ص ۱۱۸، ۱۲۹.

۲. مولانا سيد كلب مهدي بن مولا سيد كلب باقر نقوي جايسی نصيرآبادي حائري (متوفی ۱۳۴۹ ق/ ۱۹۳۰ م) عالم فاضل. وی به کربلا هجرت کرد و به تحصيل پرداخت و در رجب ۱۳۴۹ در کربلا دیده فرو بست و در همانجا مدفون شد: مطلع الانوار صدر الافاضل، ص ۴۶۱؛ الاجازة الكبيرة، ص ۱۱۸، ۱۲۸.

۳. سيد حسن يا محمد حسن بن سيد عبد الله رضوي كشميري حائري (متوفی ۱۳۲۸ ق/ ۱۹۱۰ م) عالم بزرگ و فقيه جليل القدر و عظيم الشأن و متقی و پارسا.

وی در کربلا سکونت داشت و از اساتيد و علمایي چون مولا حسين فاضل اردکاني، مولا محمد تقی هراتي و ديگران، دانش آموخت و به عنوان مرجعی موجه برای خاص و عام درآمد و در مسجد پشت ضريح مبارک حسيني عليه السلام اقامة جماعت می کرد تا اينکه بيمار گرديد و در ششم صفر ۱۳۲۸ در همان کربلا دیده از جهان فرو بست و در رواق، در کنار مرقد ابراهيم مجاب ابن امام موسی کاظم عليه السلام خارج از مسجد و نزديک ضريح به خاک سپرده شد.

الاجلاء السيد مصطفى والسيد محمد علي و الثالث نسيت اسمه والظاهر اسمه السيد محمد حسين.

٥٠. و منهم: العلامة زاهد الزمان السيد مرتضى الرضوي الكشميري^١ المشهور المعروف، و قبره في الصحن الشريف في احدى الحجرات الغربية و يروي عنه والدي العلامة السيد محمود النسابة و استاذي الشيخ محمد حسين الشيرازي و اروى عنهما.

→ از آثار او می توان کتاب «الزبدة» در نحو را نام برد. آقا بزرگ گوید: اجازه ای از او به خط سید کاظم بن سید میر مختار شاه رضوی کشمیری پسر عمویش دیده ام و همچنین بعضی از آثار تملکی او را به خط خود او دیده ام که از پدرش با عنوان «علامه» یاد کرده است. اجازه یاد شده که آقا بزرگ اشاره کرده را رضوی به سید محمد هادی بن سید ابوالحسن رضوی کشمیری داده است. فرزندان او عبارتند از سید مصطفی، سید محمد علی و سید محمد حسین بوده اند که سید محمد علی رضوی داماد سید محمد کاظم یزدی طباطبایی بوده و در بیستم جمادی الاول ۱۳۶۹، در نجف اشرف دیده فرو بست و در کربلا در حائر حسینی به خاک سپرده شد و از نوادگان وی سید محمد رضوی کشمیری (متوفی ۱۳۷۶ قمری) در انقلاب بزرگ عراق به رهبری میرزا محمد تقی شیرازی نقش داشت: تراث کربلاء، ص ۱۵۰- ۱۵۱؛ تاریخ الحركة العلمية فی کربلاء، ص ۲۴۳؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۴۰۸-۴۰۹؛ میراث کربلا، ص ۱۱۳؛ الذريعة، ۱۵۴/۶ و ۱۶/۱۲ و ۱۴۲/۱۶ و ۲۹۴/۲۲؛ اعيان الشيعة، ۲۳۲/۵؛ معجم المؤلفين، ۱۹۷/۹.

١. سید مرتضى بن سید مهدی بن محمد بن کرم الله بن سید رضا بن حبيب الله بن مهدی بن محمد بن ابی الحسن بن سلام الله بن شاه میرزا بن عز الدین محمد بن عطاء الله میر بدلا رضوی کشمیری (۱۲۶۸-۱۳۲۳ ق/ ۱۸۵۲-۱۹۰۵ م) عالم فاضل، فقیه و محدث، و زاهد عابد و از خاندان آل کشمیری در کربلا.

وی در کشمیر دیده به جهان گشود و پرورش یافت، سپس به نجف اشرف رفت و نزد شیخ مرتضى انصاری، شیخ نوح بن شیخ قاسم جعفری نجفی، شیخ محمد حسین کاظمی، شیخ محمد حسن یاسین، سید حسین بن سید محمد رضا بن بحر العلوم، سید اسد الله اصفهانی، سید مهدی قزوینی حلّی، میرزا محمد هاشم، میرزا زین العابدین بن خوانساری اصفهانی و شیخ زین العابدین بن مسلم بارفروشی مازندرانی حائری، دانش آموخته و حدیث شنیده و از آنان اجازه گرفته است و پس از آن به کربلا رفته و در آنجا سکونت نموده و اقامه جماعت کرده و به تدریس و تألیف مشغول گردیده که از جمله آثار او می توان به: «تسلیم النفس الی جناب القدس» و «اعلام الاعلام» را نام برد: عشائر کربلاء و اسرها، ۱۸۳/۱- ۱۸۴؛ تراث کربلاء، ص ۱۵۰- ۱۵۱؛ احسن الودیعة، ۱۵۲/۱؛ تاریخ الحركة العلمية فی کربلاء، ص ۲۴۳؛ الاجازة الكبيرة مرعشی، ص ۴۳۲- ۴۳۳، ۵۱۹ و صفحات متعدد دیگر، (نک: فهرست اعلام، ص ۶۶۷- ۶۶۸)؛ معجم المؤلفين، ۲۱۷/۱۲ (۸۴۲/۳)؛ اعيان الشيعة، ۱۲۱/۱۰؛ مستدرکات اعيان الشيعة، ۲۵۷/۳؛ تکملة امل الأمل، ص ۱۷۲ ذیل شرح حال حسین همدرد عاملی، مصفی المقال، ص ۴۵۸-۴۵۷؛ الذريعة، ۲۳۷/۲ و ۶۲/۴، ۱۶۶، ۱۸۰ و ۶۳/۸ و ۱۳۶/۱۲ و ۲۴۰، ۲۱۸/۱۵ و ۱۰۳/۱۹ و ۱۴۲/۲۰ و ۱۴/۲۴، ۸۴ و ۱۷۷/۲۶؛ تراجم الرجال، ۲۱/۱ و ۶۹۵/۲؛ المسلسلات فی الاجازات، ۴۹/۲، ۷۷، ۱۱۲، ۱۴۷، ۱۶۰، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۳۵ و موارد دیگر.

۵۱. **ومنهم:** السید محمد باقر بن صفدر الرضوي الكشمیری^۱ من بني اعمام السید مرتضی، العلامة الفقیه.

له تألیف، منها کتاب اسداء الرغاب في وجوب الحجاب، طبع في النجف الاشرف. اروي عنه بالاجازة [و در جایی دیگر گویند:] به عقیده حقیر بهترین کتاب است در این موضوع و ایشان هم از مشایخ روایتی حقیر بودند.

۵۲. **ومنهم:** اخوه العلامة السید هادي الكشمیری^۲. اروي عنه بالاجازة أيضاً و ابنه السید محمد حسین من علماء لکهنو بالفعل - سلمه الله.

۵۳. **ومنهم:** الميرزا محمد شفيح التبريزي^۳ مولداً، الخراساني اصلاً، احد رؤساء

۱. سید محمد باقر بن محمد علی بن صفدر بن صالح رضوی کشمیری (۱۲۸۵ - ۱۳۴۶ ق/ ۱۸۶۹-۱۹۲۸ م) فقیه اصولی، ادیب و شاعر، مرجع دینی و از مشاهیر علمای روزگار خود.

او در لکهنوی هند، دیده به جهان گشود و مقدمات را نزد پدر آموخت و ریاضیات و هیئت و منطق و حکمت را نزد تفضل حسین و حیدر علی فراگرفت، سپس برای ادامه تحصیلات، عازم عتبات عالیات شد و در نجف اشرف از شیخ الشریعة اصفهانی، سید کاظم طباطبایی، آخوند خراسانی، حسن مامقانی، حسین بن خلیل تهرانی و دیگران دانش آموخت و بعد به سامرا سفر کرد و سپس عازم کربلا شد و از میرزا محمد حسین شهرستانی مرعشی کسب فیض نمود و پس از آن به لکهنو بازگشت و در مدرسه پدرش سلطان المدارس به تدریس پرداخت و شاگردان فراوانی تربیت کرد که از آن میان به سبط الحسن هندی، شبیر حسن و محمد هادی اشاره کرد. وی در ۱۶ شعبان ۱۳۴۶ در هنگام زیارت کربلا، دیده از جهان فرو بست و در مقبره نواب کابلی در کنار پسر عمویش سید مرتضی کشمیری به خاک سپرده شد. آقا بزرگ تهرانی گوید: دوبار او را ملاقات کردم، یکبار در ۱۳۳۹ و بار دیگر در ۱۳۴۶ قمری که برای زیارت عتبات عالیات آمده بود. آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام از وی اجازه دریافت نموده و از او روایت کرده است.

او دارای آثار و تألیفاتی است که یکی از آنها «اسداء الرغائب في مسألة الحجاب و یا في وجوب الحجاب» است که در نجف و در ۱۳۴۷ قمری، چاپ شده است. دیگری «الروضة الغناء في حرمة الغناء» و دیگری «القول المصون في نسخ نکاح المجنون»: اعیان الشیعة، ۹۰/۲۴ - ۹۱، ۱۰۲-۱۰۳؛ بروکلیمان، ذیل ۸۶۳/۲؛ معجم المؤلفین، ۱۵۶/۳ - ۱۵۷؛ الاجازة الکبيرة مرعشی، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱۹۲/۱-۱۹۳؛ الذریعة، ۳۷/۲ و ۴۸۳/۳ و ۱۹۴/۴ و ۲۲۵/۱۰ و ۳۰۱/۱۱ و ۹۶/۱۵.

۲. از شرح حال سید هادی کشمیری که شیخ اجازة آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام نیز بوده، هیچ اطلاعی در مدارک و مأخذی که در اختیارم بود، راجع به وی نیافتم و حتی در کتابهای المسلسلات فی الاجازات و الاجازة الکبيرة آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام نیز، مطلبی راجع به او نیافتم.

۳. میرزا محمد شفیح تبریزی بن محمد جعفر بن محمد رفیع بن محمد شفیح مستوفی الممالک خراسانی (۱۲۱۷ - ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۰۲ - ۱۸۸۳ م) عالم فاضل و صالح و از رجال علم و ادب و ملقب به «ثقة الاسلام» و رهبر شیخی های ثقة الاسلامی.

وی در تبریز چشم به جهان گشود و پرورش یافت و در ۱۲۴۳ قمری، برای تکمیل معلومات خود، به عتبات عالیات رفت و در نجف اشرف در حوزه درس شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام، شیخ

الشیخیة و من أشهر تلامیذ السید کاظم الرشتی و أعقابه فی تبریز يعرفون بـ «ثقة الاسلام». ۵۴. ومنهم: المیرزا ابراهیم الرشتی^۱ العلامة الفاضل. ادرکناه واستجزنا عنه و كانت مکتبته حاویة لنسخ خطیة نفیسة، استفدنا منها کثیراً و کان من تلامیذ الشیخ زین العابدین المازندرانی.

۵۵. ومنهم: الشیخ محمد^۲ بن الشیخ یوسف صاحب الحدائق و کان من اعیان

→ علی کاشف الغطاء نوادة شیخ جعفر، فقه و اصول آموخت، سپس به درس سید کاظم رشتی - پیشوای شیخیه - علوم حدیث و تفسیر آموخت و از آنان اجازه اجتهاد گرفت و بعد به طریقه شیخیه گروید و پس از آن به وطن خود - تبریز - بازگشت و در آنجا به تدریس و تألیف پرداخت و صاحب محراب و منبر شد و به عنوان پیشوای شیخیه ثقة الاسلامیه در آذربایجان مطرح گردید. کسانی مانند میرزا حسن تبریزی، عبد السلام سلماسی و میرزا موسی پسرش، از او دانش آموخته‌اند. او جد میرزا علی آقای تبریزی ثقة الاسلام پیشوای یکی از فرق شیخیه (۱۲۷۷ - ۱۳۳۰ ق) است که در تبریز به وسیله روسها در عاشورای ۱۳۳۰ قمری، به دار آویخته شد. میرزا محمد شفیع تبریزی دارای آثاری است که از آن جمله کتاب «الاسألة الشفیعیة» که سؤالاتی است از سید کاظم رشتی همراه با جوابهای آن که در ۱۲۷۴ قمری همراه با «شرح الفوائد الاحسانیة» به چاپ رسیده است. او همراه با حاج محمد کریم خان کرمانی که بعدها رهبر شیخیه کرمان شد، در درس سید کاظم رشتی شرکت کرد، اما رکن رابع بودن حاج محمد کریم خان را انکار و او را لعنت نمود. او دو بار به مکه معظمه مشرف شد، یکبار در ۱۲۹۷ قمری و بار دیگر در ۱۳۰۱ قمری که همراه با پسرش میرزا موسی بوده و گویا در همین سفر بود که دیده از جهان فرو بست و جنازه‌اش به کربلا منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد و پسرش حاج میرزا موسی تبریزی، ملقب به «ثقة الاسلام» شد و جانشین وی گردید: المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۲۴۲/۱؛ نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم، ص ۴۰۸؛ مکارم الآثار، ۶۵۲/۳ - ۶۵۳؛ هفتاد و دو ملت، ص ۱۵۳؛ فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۳۰، ۲۶۸؛ شرح حال رجال ایران، ۳۹۴/۳ و ۳۳۳/۴؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۸۴۱/۳؛ الذریعة، ۶۰/۲، ۸۸ و ۲۱۶/۱۱ و ۱۹۲/۱۵؛ تراجم الرجال، ۱۹۱/۱، ۲۹۲؛ تاریخ و جغرافی دار السلطنة تبریز، ص ۳۴۰ - ۳۴۱؛ اثر آفرینان، ۱۸۴/۲.

۱. از شرح حال و زندگانی میرزا ابراهیم رشتی نیز، هیچ گونه اطلاعی نیافتم و با اینکه آیت الله العظمی مرعشی نجفی^{رحمته} از وی اجازه گرفته، در کتابهای المسلسلات فی الاجازات و الاجازة الکبیرة، از او سخن به میان نیاورده است.

۲. محمد بن شیخ یوسف «صاحب الحدائق» بن احمد بن ابراهیم درازی شاخوری بحرانی (متوفی پس از ۱۱۹۰ ق/ ۱۷۷۶ م) عالم فاضل.

تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما در فسای استان فارس دیده به جهان گشوده و در همانجا پرورش یافته و مقدمات علوم را در همانجا و نزد پدرش و دیگران آموخته است و چون مادرش اهل فسا بوده پس از هجرت پدرش از فسا به عتبات عالیات و کربلا، در ناحیه «شش ده» فسا سکونت کرد و میرزا جانی عموی میرزا حسن حسینی فسائی صاحب فارسنامه ناصری نسبت به شیخ محمد احسان و نیکی فراوان کرد و مزرع چهار جفت گاو از مزرعه «کت نوشش ده» و مزرعه «موردی» و «ده شیب نوبندگان» و «دولت آباد غیاث آباد» از املاک خاصه خود و برادرانش را به شیخ محمد بخشید و رجوع معاملات شرعی نواحی داراب و فسا را به او وا گذاشت و به وی سپرد و سالها به نشر علوم دینی مشغول بود و به امور شرعی آنها پرداخت.

الاخباریة وله رسائل في الفقه وغيرها.

۵۶. ومنهم: اخوه الشيخ احمد^۱ بن صاحب الحدائق و كان فقيهاً، محدثاً.

۵۷. ومنهم: السيد كاظم الرشتي الحسيني^۲، تلميذ الشيخ احمد الأحسائي ومن

→ از آثار وی می توان کتاب «منیة الطالب» که در برخی منابع از آن با عنوان «تنبيه الطالب» یاد شده نام برد که در ۱۱۵۷ قمری، آن را تألیف کرده است و موضوع آن علم نحو است.

او در ۱۱۹۰ و اندی در فسا دیده از جهان فرو بست و جنازه وی به کربلای معلی انتقال یافت و به خاک سپرده شد. دو فرزند او حاج شیخ موسی و شیخ عبد العلی، در قریه شش ده فسا، در خدمت والد ماجد خویش مراتب علمی را آموختند و پس از چندی به بحرین و وطن اجدادی خویش رفتند و مدت‌ها در خدمت عالمان آن دیار به تکمیل علوم خویش پرداختند و به زیور اجتهاد نائل و آراسته شدند و به فسا بازگشتند و بعد از مدتی شیخ موسی به شیراز رفت و در آنجا ماندگار شد و مرجع فضلا و علما گردید و در مسجدنو شیراز، به اقامه جماعت پرداخت و در ۱۲۴۰ قمری، چشم از جهان فرو بست و نوادگان او و شیخ محمّد در شیراز سکونت کردند: فارسنامه ناصری، ۱۴۰۷/۲ - ۱۴۰۸؛ فارسنامه دوم، ۶۶۹/۲؛ کشکول بحرانی، ۴۴۸/۳ - ۴۵۱؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ص ۸۲۸ ذیل ترجمه پدرش شیخ یوسف؛ الذریعة، ۲۰۴/۲۳؛ فوائد الرضویة، ص ۶۵۹؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ۳۵۴/۴ - ۳۵۵.

۱. از شیخ احمد بن یوسف «صاحب الحدائق» شرح حالی در منابع نیافتیم.

۲. سید کاظم بن قاسم بن احمد بن حبیب حسینی حریری موسوی کربلایی گیلانی رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹ ق / ۱۷۹۸-۱۸۴۳ م) شاگرد برجسته شیخ احمد احسائی، مفسر اقوال و اندیشه‌های او و ایجادکننده طریقه شیخیه. او در رشت دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش یافت و مقدمات علوم را آموخت و پس از تکمیل سطوح به قزوین شتافت و از علمای آن دیار دانش آموخت و پس از آن راهی عتبات عالیات گردید و در جلسات درس شیخ احمد احسائی شرکت کرد و در زمره خواص او درآمد و پس از وفات استاد خود شیخ احمد احسائی نایب مناب و جانشین او گردید و طریقه شیخیه را به وجود آورد و در تمام امور دینی، مرجع و پیشوای شیخیه گردید و در کربلای معلی سکونت کرد و به تدریس مشغول گردید و کسانی مانند سید علی محمّد باب پیشوای بابیه، حاج محمّد کریم خان کرمانی پیشوای شیخیه کرمان، محمّد شفیع ثقة الاسلام تبریزی پیشوای شیخیه ثقة الاسلامیه در تبریز، سید ابراهیم دزفولی، سید ابراهیم حائری بن راضی، شیخ ابراهیم بن عبد الجلیل حائری، میرزا حسین بن محمّد بن حسین تبریزی، عبد الرحیم بن ولی محمّد اردبیلی، میرزا عبد الله بن محمّد بهبهانی، ملا حسن میرزای گوهر، علی بن محمّد رضا تبریزی و سید محمدباقر جندقی طباطبایی، از او دانش آموخته و اجازه گرفته‌اند.

او حدود ۱۵۰ اثر و تألیف دارد که بیشتر آنها چاپ شده‌اند و صاحب احسن الودیعة در مورد آثارش نوشته که مؤلفات بسیاری دارد، اما احدی چیزی از آنها نفهمیده است. برخی از آثار چاپی او عبارتند از: «حیات النفس»، تبریز، ۱۲۷۶ ق؛ «اصول عقاید»، تبریز، ۱۲۵۹ قمری؛ «لوامع حسینیة»، تبریز، ۱۲۷۶ ق؛ «دلیل المتحجّدين»، تبریز، ۱۲۷۶ ق؛ «شرح خطبة الطنجية»، تبریز، ۱۲۷۰ ق؛ «شرح قصیده» عبد الباقی افندی، تبریز، ۱۲۷۰ قمری؛ «مجموعه رسائل عربی»، شامل ۲۸ رساله، تبریز، ۱۲۷۷ ق.

وی در نهم یا یازدهم ذی حجّة ۱۲۵۹، در کربلا دیده فرو بست و در رواق حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به خاک سپرده شد. او نقش اساسی در حمله نجیب پاشا به کربلا داشت: الشیخیه، ص ۱۷۸؛ الکواکب الدرّیة، ۲۳/۱؛ قصص العلماء، ص ۳۸-۵۴؛ لمحات اجتماعیة من تاریخ العراق، ۱۲۰/۲؛ مکارم

أشهر رؤساء الشَّيخِيَّة.

٥٨. ومنهم: الحاج محمدكريم^١ خان رئيس السلسلة الكريمة خانية المشهور.

→ الآثار، ٢٠٩/١-٢٢٠؛ طرائق الحقائق، ٢٣٢/٣، ٣١٨؛ الاعلام زرکلی، ٢١٥/٥؛ نجوم السماء، ص ٣٩١، ٣٩٢، ٤٢٨-٤٢١، ٤٤٠؛ فهرست کتب مشایخ، ص ٨٦، ١٤٦؛ تذکرة شمس التواریخ، ص ٢٠؛ فرهنگ بزرگان، ص ٥٢٤؛ شرح حال رجال ایران، ١٣٧/٣-١٣٨؛ فهرست مشاهیر ایران، ٣٧٩/٢؛ هدیة العارفین، ٨٣٦-٨٣٧؛ ایضاح المکنون، ٧٥/١، ٣٩٢، ٤٧٩ و ٤٦/٢، ٤٤٢، ٤٥٧، ٥٣٦؛ معجم المطبوعات، ٩٣٢/١-٩٣٣؛ معجم المؤلفین العراقيین، ٣١/٣-٣٣؛ الآثار الخطیة المكتبة القادریة، ٣٢٢/٢؛ بروکلیمان، ذیل ٨٤٥/٢؛ مجلة المجمع العلمی العربی بدمشق، ٢٩/٢٢٠؛ مجلة المورد، مجلد ٨، عدد ٣/٣٧٥؛ معجم المؤلفین، ٦٦٤-٦٦٥؛ ریحانة الادب، ٣٠٨/٢-٣٠٩؛ روضات الجنات، ٩٢/١ ذیل شرح حال شیخ احمد احسانی؛ احسن الودیعة، ١٧٢/٢؛ تراجم الرجال حسینی، ١٢/١، ١٥، ١٦، ١٨، ١٨٢، ٢٨٥، ٣٣٠، ٣٣٣، ٣٨٥، ٥٩٤؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ٣٧/٥-٣٩؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، مشار، ص ٣٢، ٥٠، ١٩٧، ٢٠٣، ٣٠٧، ٣٣٢ و موارد متعدد دیگر؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص ١٢٢، ١٢٤، ١٣٤، ١٣٧، ١٣٨ و موارد دیگر (نک فهرست، ص ٨٣٥)؛ الذریعة، ١٠٩/١، ٢٢٧ و نک: فهرس اعلام الذریعة، ١٨٨٤/٣؛ دایرة المعارف تشیع، ٢٤٧/٨-٢٤٩؛ اثر آفرینان، ١٠٨/٣؛ شرح حال و اصول و عقاید پیشوایان طریقه شیخیه، پایان نامه دوره فوق لیسانس، طاهره مجدنوایی، سال تحصیلی ١٣٤٤-١٣٤٥ ش، دانشگاه تهران، ص ٢٠-٢٣؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهما السلام، ص ٢٢٢.

١. حاج محمدکريم خان بن ظهير الدوله ابراهيم خان بن مهدي قليخان قاجار کرمانی (١٢٢٥-١٢٨٨ق/١٨١٠-١٨٧١م) عالم، متکلم، محدث و رهبر فرقه شیخیة کرمان.

وی در شب شنبه هیجدهم محرم ١٢٢٥، در کرمان پایه هستی نهاد و در همانجا هم پرورش یافت. پدرش ظهير الدوله پسر عمو و داماد فتحعلی شاه قاجار بود که از سال ١٢١٨ تا ١٢٤٠ قمری، حاکم کرمان و سرحد دار بلوچستان بود.

محمدکريم خان برای تکمیل معلومات خویش عازم عتبات عالیات شد و در کربلا در جلسات درس سید کاظم رشتی شرکت کرد و در شمار خواص وی قرار گرفت. برخی نوشته اند که در کرمانشاه در درس شیخ احمد احسانی نیز، شرکت نموده است.

اعتماد السلطنه او را از بزرگان علما به شمار آورده که در جمیع فنون عقلی و نقلی دعوی استادی می کرد و پس از سید کاظم رشتی گروهی از جماعت شیخیه به او گرویدند و رکن چهارم از ارکان اصول عقاید خویش گرفتند و به «حاج کریم خانی» یا «شیخیة کریم خانی» معروف شدند. او سپس به کرمان بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و افراد زیادی به درس وی حاضر می شدند. وی دارای آثار و تألیفات متعددی است که بیشترشان چاپ شده است، از آن جمله: «ارشاد العوام»، بمبئی، ١٢٦٨ ق و در کرمان در چهار جلد، در ١٣٥٣-١٣٥٥ ق؛ «ابیات» شعر، تبریز، ١٣٠٣ ق؛ «اجوبة المسائل»، درسی فصل، بمبئی، ١٣١٣ ق؛ «ازهاق الباطل»، ایران، ١٢٧٧ ق؛ «اسرار الحج»، تهران، ١٣١٩ ق؛ «الغباء»، کرمان، ١٣٠٨ ق؛ «ایقاظ الفاضل»، بمبئی، ١٨٨٦ م. برای دیگر آثار او به مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، مراجعه شود.

اودر دوشنبه ٢٢ شعبان ١٢٨٨ در هنگام و مسیر سفر به عتبات عالیات در قریه «تهرود» در جنوب شرقی کرمان دیده از جهان فرو بست و جسدش را ٢٢ ماه بعد، به کربلا منتقل و در رواق پایین پای حضرت سید الشهداء علیه السلام کنار قبر سید کاظم رشتی به خاک سپرده شد: تذکرة الاولیاء فی شرح احوال العالم... الحاج محمدکريم خان الکرمانی، نوشته نعمت الله رضوی شریف، ص ٩٤-١؛ شرح حال و

۵۹. ومنهم: ابنه الحاج محمد رحیم خان^۱.

۶۰. ومنهم: ابنه الحاج محمد خان^۲.

→ اصول و عقاید پیشوایان طریقه شیخیه، طاهره مجد نوایی، ص ۲۴-۳۰؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۱۹۹۱-۲۷۲؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱۹۲۸/۳؛ طرایق الحقایق، ۲۳۰/۳، ۴۶۷-۴۶۸؛ مکتب شیخی، ترجمه فریدون بهمنیار، ص ۴۹؛ شرح حال رجال ایران، ۱۳۷۳-۱۳۸ و ۱/۴-۵؛ فهرست کتب مشایخ، موارد متعدد؛ فهرست کتب شیخیه، ۷۲/۱ و ۲/باب سوم، ص ۱۶۸-۱۳۰۵؛ مقالات الحنفاء، ص ۱۶۳؛ تذکره شمس التواریخ، ص ۲۰؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۵۷/۵-۶۱؛ مکارم الآثار، ۷۸۹/۳-۷۹۰؛ ریحانة الادب، ۵۰/۵-۵۲؛ فهرست مشاهیر ایران، ۳۸۲/۲؛ فرهنگ سخنوران، ۷۶۲/۲؛ تذکره شاعران کرمان، ص ۱۹۵-۱۹۹؛ فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۶۷؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص ۱۱۷ و موارد دیگر؛ معجم المؤلفین، ۶۰۸/۳؛ هدیة العارفین، ۳۷۹/۲؛ ایضاح المکنون، ۶۱/۱ و ۱۱۹/۲، ۱۹۰؛ بروکلیمان، ذیل ۸۲۷/۲؛ اعیان الشیعة، ۴۴/۱۰؛ گنجینه دانشمندان، ۳۴۰/۶؛ اثر آفرینان، ۳۲/۵؛ الذریعة، ۴۵۶/۱ و موارد دیگر.

۱. حاج محمد رحیم خان بن حاج محمد کریم خان قاجار قوانلو معروف به «آقازاده» (۱۲۴۸-۱۳۰۷ ق/۱۸۳۲-۱۸۹۰م) عالم فاضل.

وی از بطن دختر آخوند ملا محمد علی ملاباشی است که در شوال ۱۲۴۱ یا ۱۲۴۸ قمری، تولد شده و در نزد پدر و سید کاظم رشتی دانش آموخته و پدرش برخی از کتابهایش را به خاطر او نوشته است. از پدرش نقل شده که علم خود را به حاج محمد رحیم خان و مال خود را به حاج محمد خان داده است. محمد رحیم خان پس از مرگ پدر و جانشینی برادرش محمد خان به جای پدر، به تهران رفت و در آنجا سکونت نمود و در ذی حجه ۱۳۰۷ در ۵۹ سالگی همانجا درگذشت و جنازه اش ابتدا در حضرت عبد العظیم حسنی در شهر ری، به امانت دفن شد و پس از آن به کربلا منتقل گردید و زیر پای پدرش، در رواق مطهر، به خاک سپرده شد. از آثار وی می توان به کتاب «گلشن» در نصایح و حکم و امثال و قصص و «رساله ای در علم اصول» و «منظومه ای در علم نحو» اشاره کرد که «گلشن» در بمبئی و در ۱۲۹۴ ق، چاپ شده و کتاب دیگر او «رساله نوریه در تفسیر آیه نور» که در تهران و در ۱۳۰۵ ق، منتشر گردیده است؛ شرح حال رجال ایران، ۳۹۷/۳ و ۲/۴، ۳، ۴؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۱۹۹/۱؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۱۱۵/۳؛ شرح حال و اصول و عقاید پیشوایان طریقه شیخیه، طاهره مجد نوایی، ص ۳۱؛ تذکره الاولیا فی شرح احوال... الحاج محمد کریم خان الکرمانی، نعمت الله رضوی شریف، ص ۹۵-۹۹.

۲. حاج محمد خان بن حاج محمد کریم خان قاجار قوانلو، پیشوای چهارم شیخیه کرمان (۱۲۶۳-۱۳۲۴ ق/۱۸۴۷-۱۹۰۶م) وی از بطن دختر ملک آرا در محرم ۱۲۶۳ در کرمان دیده به جهان گشود و پرورش یافت و زیر نظر پدرش تربیت شد و پدر او، آخوند ملا محمد حسن چترودی را که مردی فاضل بود به معلمی وی برگزید و پس از آن تمام تحصیلاتش را نزد پدر به انجام رساند و در سفر و حضر با وی بود و پدرش او را فقیه خوانده است. او از آقا شیخ علی بحرینی شاگرد میرزا حاج محمد کریم خان، اجازه روایتی دریافت کرد. پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۸۸ قمری، جانشین پدر و رهبر شیخیه گردید و به سبک پدر، به عبادت، نشر علم و تصنیف و تألیف و تدریس مشغول گردید. بیشتر اوقاتش را در قریه «لنگر» میزیست و در ۱۲۹۶ قمری به مکه رفت و در اواسط ۱۳۰۵ قمری از راه بندرعباس و بصره به کربلائی معلی مشرف شد و از راه سامرا به تکریت و حلب رفت و از آنجا از راه بیروت و اسکندریه، به کانال سوئز و از آنجا به جدّه رفت و در سعدیه محرم شد و به مکه رفت و از آنجا به مدینه و سپس در اوایل ۱۳۰۶

۶۱. ومنهم: ابنه الحاج زين العابدين خان^۱.

۶۲. ومنهم: ابنه اسحاق خان^۲.

۶۳. ومنهم: ابنه عبد العلي خان^۳.

→ قمری، به کرمان باز آمد. او بیش از ۴۰ جلد کتاب از مواعظ و دروس داشته است که نسخه‌های اولیه آن در کتابخانه حاج ابوالقاسم خان در کرمان موجود است و برخی از آنها چاپ شده‌اند. وی در بیستم محرم ۱۳۲۴ در قریه «لنگر» چشم از جهان بریست و سپس به کربلا منتقل و در کنار پدر دفن شد: المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۲۷۲/۱-۲۹۲؛ شرح حال رجال ایران، ۴، ۳/۴ و ۲۰۸/۶ و پاروقی ۲۰۹-۲۲۰؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۷۸۵/۵-۷۸۷؛ تذکرة الاولیا، نعمت الله رضوی شریف، ص ۹۹-۱۳۴؛ شرح حال و اصول و عقاید پیشوایان طریقه شیخیه، طاهره مجدنوی، ص ۳۱، ۳۸-۵۳.

۱. حاج زين العابدين بن حاج محمد کریم خان قاجار قوانلو (۱۲۷۶-۱۳۶۰ ق/۱۸۵۹-۱۹۴۱ م) پنجمین پیشوای شیخیه کرمان.

وی در سه شنبه هفتم رجب ۱۲۷۶ در کرمان دیده به جهان گشود و پرورش یافت. او از دختر محمد قلی میرزا و از طرفی نوه نادر شاه افشار بود و از طرف دیگر نسبش به شاه سلطان حسین صفوی می‌رسد. به هنگام مرگ پدرش دوازده ساله بود و تربیت و پرورش وی به عهده برادر بزرگش حاج محمد خان واگذار گردید و نزد او علوم و فنون را آموخت و در ۱۳۰۵ قمری، در خدمت برادر به عتبات عالیات رفت و از آنجا به مکه و مدینه مشرف شد و تا آخر عمر سه بار به کربلا و چهار مرتبه به مشهد مقدس مشرف شد. در ۱۳۳۱ قمری که به عتبات عالیات رفت عده‌ای از طلاب نجف علیه وی تظاهرات کردند و همچنین در سال ۱۳۳۵ قمری که به مشهد رفت نیز، طلاب مشهد علیه او تظاهرات کردند و در سال ۱۳۵۳ قمری نیز، که به عتبات رفت، عده‌ای از طلاب علیه وی تظاهرات کردند و خواستار خروج شیخی‌ها از عتبات شدند و پس از این سفر بود که مریض شد و تا آخر عمر بیماری او مرتفع نشد و بالاخره در پنجم جمادی الاولی در سال ۱۳۶۰، دار فانی را وداع گفت و جسدش به وسیله آقا ابوالقاسم خان فرزندش، به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. او مدت ۳۶ سال پیشوای شیخیه بود. آثار و تألیفاتی دارد که برخی از آنها چاپ شده‌اند که از آن میان به «ایضاح الاشتباه»، تهران، ۱۳۳۲ ق؛ «سؤالات احمدیه در جواب سؤالات میرزا احمد شیخ الاسلام بهبهانی»، تبریز، ۱۳۳۷ ق؛ «شمس الجاریة در اثبات سکون زمین و حرکت افلاک»، کرمان، ۱۳۴۵ ق؛ «صراط المنعمین و عیشة راضیه»، تهران، ۱۳۵۰ ق (دو رساله)؛ «صواعق البرهان»، تبریز، ۱۳۳۱ ق، اشاره کرد: تذکرة الاولیا، نعمت الله رضوی شریف، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ شرح حال و اصول و عقاید پیشوایان طریقه شیخیه، طاهره مجدنوی، ص ۵۸۵۴؛ شرح حال رجال ایران، ۴/۴ و ۱۵/۵.

۲. از زندگانی اسحاق خان فرزند دیگر حاج محمد کریم خان اطلاعی به دست نیامد، حتی در «تذکرة الاولیا» که شرح حال حاج محمد کریم خان است و هشت تن از فرزندان ذکور او را نام برده خبری از اسحاق خان نیست.

۳. عبد العلی خان بن حاج محمد کریم خان قاجار قوانلو که از دختر ملک آرا متولد شده ولی تاریخ تولد وی دانسته نیست.

وی نیز نزد پدر و برادران دانش آموخت و به قدر کفایت تحصیل علم کرد. او را فردی با حیا، خاضع و خلیق دانسته‌اند.

از زندگانی وی و تاریخ وفاتش نیز، اطلاعی در دست نیست و فقط در کتاب «تذکرة الاولیا» که شرح حال پدرش و برادرانش است، اشارتی کوتاه به نام اوست: تذکرة الاولیا ص ۱۳۶-۱۳۷.

۶۴. ومنهم: ابنه مجتبی خان^۱.

۶۵. ومنهم: المیرزا محمد حسن رئیس السلسله الخاکساریه^۲ الصوفیه فی عصر نادرشاه الافشار.

۶۶. ومنهم: آخوند ملا حسینقلی^۳ که در حجره‌ای که سید مرتضی کشمیری

۱. مجتبی خان بن حاج محمد کریم خان قاجار قوانلو که او نیز، از بطن دختر ملک آرا تولد یافته و فردی نیک‌خو و گشاده‌رو بوده و دارای اخلاقی حسنه و طریقه پرهیزکاری و تقوا داشته و از تاریخ تولد، زندگانی و وفات وی اطلاعی دیگر نداریم، جز اینکه نوشته‌اند، او نیز، یکی از فرزندان حاج محمد کریم خان بوده و در کربلا دفن شده است: تذکره الاولیا ص ۱۳۷.
 ۲. خاکساریه، سلسله‌ای از درویشان و اهل تصوف شیعی مذهب در ایران و عراق که بیشتر در شهرهای تهران، مشهد، کرمانشاه، شیراز، اهواز، کوفه، نجف و کربلا، به سر می‌برند. در ایران این سلسله خود را سلسله خاکساریه جلالیه ابوترابی و سلسله خاکساران غلامعلی شاهی معرفی می‌کنند و در واقع خویش را پیروان و دنباله روان قلندران حیدری عهد صفویه و از پیروان میرقطب الدین حیدر تونی (علوی) می‌دانند و نام پیشوای خود را سید جلال الدین حیدر ذکر می‌کنند و مقصودشان همان قطب الدین حیدر است. این فرقه بعدها به چهار فرقه منشعب شدند که فعالترین آنها همان دو فرقه که نام بردیم هستند (دایرةالمعارف تشیع، ۲۷/۷-۲۸). از میرزا محمد حسن رئیس سلسله خاکساریه در عصر نادرشاه افشار، هیچ اطلاعی به دست نیاوردم.
 ۳. آخوند ملا حسینقلی بن رمضان شوندی در جزینی (درگزین) همدانی نجفی (۱۲۳۹ - ۱۳۱۱ ق/ ۱۸۲۳ - ۱۸۹۴ م) عالم فاضل اخلاقی، فقیه اصولی، متکلم و عارف و از مشایخ طریقتی حاج میرزا جواد ملکی تبریزی. برخی نوشته‌اند که او از اعقاب صحابی جلیل جابر بن عبد الله انصاری است. وی در قریه شوند درگزین همدان دیده به جهان گشود و پرورش یافت و برای تحصیل عازم تهران شد و مبادی و مقدمات آموخت و سپس سطوح فقه و اصول را نزد برخی آموخت و در حوزه درس شیخ عبدالحسین تهرانی - شیخ العراقین - حاضر شد و بعد به سبزوار رفت و در جلسه درس ملاهادی سبزواری شرکت کرد و از آن پس به قریه شوند مراجعت کرد و مدتی نزد خانواده خویش ماند و سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جلسات درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و فقه و اصول را از وی آموخت و اخلاق را از سید علی شوشتری فراگرفت. پس از مرگ استادش شیخ انصاری در ۱۲۸۱ قمری، دیگر به جلسه درس دیگر اساتید حاضر نشد، زیرا احتیاجی نداشت و از عراق خارج نشد و به امر فتوا و ریاست هم تن نداد، اما خواص اهل علم و فضل او را ترک نکردند و به درس او حاضر می‌شدند و از تقریرات فقه و اصول استاد خود را که نوشته بود، تدریس می‌کرد و هر روز صبح هم درس اخلاق می‌گفت. برخی از شاگردان او عبارتند از سید احمد کربلایی، سید آغا دولت‌آبادی، شیخ محمد باقر بهاری، شیخ باقر نجم‌آبادی، سید محمد تقی شاه عبدالعظیمی، سید محمد تقی اصفهانی، میرزا جواد آقا تبریزی، سید حسن صدر، سید محمد سعید محبوبی، شیخ آغارضا تبریزی، شیخ علی قمی، سید علی همدانی و پسرش شیخ علی همدانی و شیخ محمد بهاری که از مشایخ شاگردانش بود.
- وی در ۲۸ شعبان ۱۳۱۱ قمری در حالی که برای زیارت، به کربلا رفته بود، دیده از جهان فروبست و در صحن شریف، در حجره چهارم واقع در سمت راست کسانی که وارد صحن می‌شوند از باب زینبیه، به خاک سپرده شد. پسرش شیخ علی نیز، در ۱۳۵۹ قمری در نجف اشرف دار فانی را وداع گفت و در وادی السلام، پشت مقام المهدی مدفون گردید.

مدفون است، بین باب سدر و باب زینبیه مدفون است.

۶۷. **ومنهم:** آقا سید عبد الغفور یزدی^۱. تلمیذ صاحب فصول و صاحب حاشیه معروفی بر آن کتاب.

۶۸. **ومنهم:** آخوند ملا عبد الصمد الهمدانی^۲ جدّ حاج آقارضا واعظ و او را در

→ او آثاری هم داشته که آقابزرگ تهرانی، به برخی از آنها اشاره کرده است که از آن جمله «مسائل قضاء»؛ «صلاة المسافر»؛ «الخلل»؛ «القضاء والشهادات»؛ «الرهن» که تقریرات شاگردان اوست و در کتابخانه حسینیّه شوشتری ها و کتابخانه شیخ نوری وجود داشته است و کتاب: «تذکره المتقین» که مکاتبات اوست را میرزا اسماعیل تبریزی گرد آورده و در ۱۳۲۹ قمری چاپ نموده است: معارف الرجال، ۱/۱۴۴، ۲۷۰، ۲۷۱ و ۲/۱۴۴، ۲۰۰، ۲۵۸، ۲۹۲، ۳۹۷ و ۵۹/۳، ۲۹۱؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۲/۶۷۴-۶۷۸؛ الذریعة، ۲/۴۷، ۹۹ و ۴/۴۶، ۳۷۲، ۳۷۶ و ۶/۱۶۲، ۲۱۷، ۲۱۹ و ۹/۱۰۸۴، ۱۲۴۳ و ۱۱/۳۱۱، ۸۳/۱۵ و ۱۸/۴۶؛ گنجینه دانشمندان، ۳۷۲/۷-۳۷۵؛ همدان نامه، ص ۳۲۵، ۳۸۱؛ تراجم الرجال حسینی، ۱/۱۰۲، ۴۶۹؛ اعیان الشیعة، ۶/۱۳۶؛ فوائد الرضویة، ص ۱۴۸؛ معجم المؤلفین، ۱/۶۳۱؛ بزرگان و سخن سریان همدان، ۲/۶۷-۶۹؛ الاجازة الكبيرة، ص ۴۱۲-۴۱۳؛ ریحانة الادب، ۶/۳۷۶.

۱. سید عبد الغفور بن محمد اسماعیل حسینی یزدی (متوفی ۱۲۴۶ ق/ ۱۸۳۰ م) فقیه اصولی و عالم فاضل. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست و از زندگی نامه او نیز، اطلاع کمی داریم و فقط نوشته اند که وی از شاگردان شریف العلماء بوده است و در طاعون سال ۱۲۴۶ قمری، در نجف درگذشته است. شیخ نوری هم قصه ای از او را در کتاب «دار السلام» خود نوشته است. از آثار وی «اصول الفقه» و «التحفة الغرویة» را می توان نام برد که آقابزرگ نوشته است این کتابها را در کربلا و در کتابخانه شیخ العراقین شیخ عبد الحسین تهرانی، دیده است: الذریعة، ۲/۲۰۶ و ۳/۴۵۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ۲/۷۵۳؛ مکارم الآثار، ۴/۱۲۷۹؛ معجم المؤلفین، ۲/۱۷۵؛ دار السلام، ۲/۱۱۹.

۲. فخر الدین ملا عبد الصمد همدانی حایری (شهید ۱۲۱۶ ق/ ۱۸۰۲ م) عالم فاضل، فقیه ماهر جلیل القدر، حکیم متکلم، لغوی و عارف عظیم الشأن و یکی از رجال مبرز کربلا در روزگار خود و از ذریه میر علیا. تاریخ تولد وی دانسته نیست، ولی در همدان دیده به جهان گشوده و سپس به عتبات عالیات رفته است و نزد علمای بزرگی چون وحید بهبهانی و امیر سید علی طباطبائی فقه و اصول آموخته است. او چهل و چهار سال در عتبات مجاور کربلا بود و عاقبت با نورعلی شاه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و اجازه ذکر خفی از او گرفت و به تصفیه و تزکیه خویش پرداخت. صاحب ریاض فضل او را انکار نموده و او را به امور مهمی متهم نموده است.

در قضیه هولناک هجوم وهابیان به کربلا معلی در روز عید غدیر سال ۱۲۱۶، به شهادت رسید. برخی سال مرگ وی را ۱۲۱۷ قمری نوشته اند. او در ایوان شریف حسینی دفن شده است.

وی دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است: «بحر المعارف» در عرفان و تصوف که در بمبئی و تبریز، در ۱۲۹۳ ق چاپ شده است؛ «رسالة فی الصحیح والاعم»؛ «کتاب فی اللغة الکبیر»؛ «الفقه الاستدلالی الکبیر»؛ «رسالة فی جواز التجزی و حجیته»؛ «شرح معارج الاصول» محقق حلی که این هر دو را آقابزرگ نزد میرزا عبد الرزاق همدانی دیده است؛ «بحر الحقایق» کتابی مبسوط در فقه که آقابزرگ مجلد پنجم آن را نزد شیخ العراقین در کربلا دیده است که در ۱۲۸۸ قمری وقف شده و در ۱۲۰۳ قمری تألیف شده است؛ «رسالة دفع بعضی شبهات از علم باری تعالی»، چاپ ایران، ۱۳۱۷ قمری.

فتنه و هابیه شهید کردند. تألیف بسیار دارد، من جمله بحر المعارف.

۶۹. و منهم: شیخ کفعمی^۱ صاحب بلد الامین و مصباح و غیرها. در صحن مطهر

→ صاحب روضات، نوشته است که مجلدی از کتاب فقهی او نزد من است: بستان السیاحة، ص ۶۴۳؛ ریاض العارفین، ص ۴۵۰-۴۵۱؛ روضات الجنات، ۱۹۸/۴-۱۹۹؛ بروکلیمان، ذیل ۵۰۵/۲؛ تذکره شمس التواریخ، ص ۵۲؛ طرائق الحقایق، ۱۷۹/۳، ۲۰۰، ۲۱۱-۲۱۳، ۲۸۱، ۲۹۹؛ مکارم الآثار، ۶۰۰/۲؛ شهداء الفضیلة، ص ۲۸۶؛ ریحانة الادب، ۳۷۷/۶-۳۷۸؛ هدیة العارفین، ۵۷۵/۱؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱۴۶۵/۳؛ فهرس التواریخ، ص ۳۳۹؛ اعیان الشیعة، ۱۷/۸؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ۷۳۷/۲-۷۳۸؛ الذریعة، ۴۷/۳، ۳۵۷ و ۶۱۸/۹ و ۵۹/۱۴ و ۷۰ و ۱۴/۱۵ و ۲۸۸/۱۶ و ۳۳۲/۱۸ و ۹۵/۲۱ و ۸۵/۲۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۸۶۱/۳؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ۶۹۳/۱ و ۲۵۶۵/۲؛ معجم المؤلفین، ۱۵۴/۲-۱۵۵؛ بزرگان و سخن سریان همدان، ۷۵/۲-۷۶.

۱. تقی الدین ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد بن صالح بن اسماعیل حارثی کفعمی لویزی عاملی جبعی (۸۴۰-۹۰۵ ق/۱۴۳۶-۱۵۰۰ م) عالم، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر.

وی در کفر عیمای جبل عامل زاده شد و پرورش یافت و نزد پدر خود مقدمات علوم را فرا گرفت و از تربیت او بهره مند گردید و پس از آن به عتبات عالیات رفت و مدتی در کربلا زندگی نمود.

دیگر اساتید او عبارتند از: سید حسین بن مساعد حسینی حائری، سید علی بن عبدالحسین موسوی، شیخ علی بن یونس زین الدین علی موسوی نباطی بیاضی صاحب صراط المستقیم. او دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است:

«تاریخ و فیات العلماء»؛ «الحدود و الحقائق»؛ «زهر الربیع فی شواهد البدیع»؛ «نهاية الارب فی امثال العرب»، در دو جلد؛ «قراضة النظر فی التفسیر»؛ «المصباح المتهدج»؛ «البلد الامین»؛ «شرح الصحیفة»؛ «المقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی»؛ «حیة الارواح» که از این آثار چند اثر او بارها به چاپ رسیده اند. سال تولد او چنانکه از برخی آثارش مانند «حیة الارواح» به دست می آید، چندین سال قبل از سال ۸۴۰ قمری است و از برخی آثار او برمی آید که در ۸۴۳ قمری نوشته شده و با این حساب وی در این سال مردی کامل بوده است و کتاب تألیف کرده و معقول نیست که کسی در سه سالگی کتاب بنویسد. سال مرگ او را برخی در ۹۰۰ قمری و در کربلا نوشته اند که طبق وصیت خود او در بقعه ای به نام «عقیر» به خاک سپرده شده و بعضی هم نوشته اند که در زادگاهش وفات یافته و در آنجا قبر و زیارتگاهی دارد: نفع الطیب، ۳۹۷/۴ (۱۹۹/۱۰)؛ امل الآمل، ۲۸/۱-۲۹؛ وسائل الشیعة، ۴۴/۲۰؛ بحار الانوار، ۱۷/۱، ۷۷؛ ریاض العلماء، ۲۵-۲۱/۱؛ احیاء الدائر، ص ۶؛ تاریخ العلماء، حکیمی، ص ۲۱؛ کشکول بحرانی، ۲۹۳/۱-۲۹۷؛ الجامع فی الرجال، ۵۴/۱؛ ریاض الجنة، ۸۸۷/۱ تحقیق اینجانب؛ کشف الظنون، ۱۹۸۲/۲؛ ایضاح المکنون، ۱۹۲/۱، ۳۶۹، ۳۹۹، ۴۷۱ و ۶۸/۲، ۲۰۷، ۲۲۲، ۳۹۳، ۴۳۷، ۵۴۶، ۶۸۴، ۶۹۰؛ اعیان الشیعة، ۲۸۴/۵؛ معجم المصنفین، تونکی، ۲۵۵-۲۴۹/۳؛ تنقیح المقال، ۱۹۹/۱-۲۰۳؛ روضات الجنات، ۲۰/۱-۲۴؛ خزائن کتب کربلاء، طعمه، ص ۳۴؛ بروکلیمان، ذیل ۱۳۳/۲؛ معجم المؤلفین، ۴۶/۱ (۶۵/۱)؛ تکملة الرجال، ۹۱/۱؛ تکملة امل الآمل، ص ۷۵، ۸۲؛ تأسیس الشیعة، ص ۱۷۵-۱۷۶؛ فوائد الرضویة، ص ۱۷؛ الکنی و الالقب، ۱۱۶/۳-۱۱۷؛ سفینه البحار، ۷۷/۱؛ الغدیر، ۲۱۳/۱۱؛ مشیخة الرازی آقابزرگ تهرانی، ص ۴۲؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن العاشر)، ص ۶؛ موسوعة مؤلفی الامامیة، ۳۱۰/۱-۳۲۶؛ تحفة الاحباب، ص ۲۴۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۸۴/۱؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، مشار، ص ۸۰۸، ۸۱۷؛ کتابشناسی موضوعی ایران، ۲۴۷/۱؛ کشف الحجب و الاستار، ص ۸۷، ۱۵۹، ۱۷۳، ۳۴۲، ۳۷۱، ۴۹۰، ۴۹۶؛

مدفون است.

۷۰. **ومنهم:** آخوند ملا احمد النهاوندي^۱، من تلامذة وحيد البهبهاني.
۷۱. **ومنهم:** آقا سيد عبد الله تبريزي^۲ ساکن نهاوند، از تلامذة مرحوم آقاى حاج ميرزا يوسف طباطبايى که ايشان از تلامذة وحيد بهبهانى بودند.
۷۲. **آخوند ملا مهدى بنابى^۳ تبريزى**، از تلامذة مرحوم شيخ انصارى بود. حقير اواخر ايشان را درک و از ايشان اجازه روايتى دريافت نمودم.

→ الذريعة، ۳۵۵/۱ و نک: فهرس اعلام الذريعة، ۱۹۰۷/۳ - ۱۹۰۸ - ۱۹۰۸؛ احسن الوديعه، ۱۶۴/۱؛ هديه الاحباب، ص ۳۵؛ تاريخ مرقد الحسين والعباس عليهما السلام، ص ۲۲۰؛ مجالى اللطف بارض الطف، سماوى، ص ۶۸.

۱. احمد بن محمد حسين بن آغا جان نهاوندى (زنده ۱۲۸۰ ق/ ۱۸۶۳ م) عالم و فقيه. او به همراه عموى خود به سامرافت و چند سال مجاور شد، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا سکونت نمود و پس از تحصيل علوم و فنون، به وطن خود نهاوند بازگشت و به وظائف شرعى خود قيام نمود و به تدريس و تأليف پرداخت.

از آثار اوست: «تلخيص النهج المستقيم»؛ «شرح عينية ابن سينا» که در ۱۲۸۰ قمرى نوشته است؛ کتاب «تلخيص» وى در ضمن مجموعه‌اى به خط خود او در کتابخانه حسينية شوشترى ها در نجف اشرف موجود است: اعيان الشيعة، ۲۲۰/۳؛ معجم المؤلفين، ۲۶۰/۱؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۹۸؛ الذريعة، ۴۲۸/۴.

۲. سيد عبد الله تبريزى (از اعلام سده سيزدهم هجرى) فقيه فاضل و از علمای ساکن نهاوند و از شاگردان سيد ميرزا يوسف بن عبد الفتاح طباطبايى (متوفى ۱۲۴۲ ق) که اجازه‌اى نيز، از ميرزا يوسف طباطبايى داشته است، چنانکه در کتاب «تاريخ اولاد الاطهار» ص ۸۹، نيز آمده است. بيشتر از اين از زندگاني، تاريخ تولد و وفات وى اطلاعى ديگر، به دست نيامد: تاريخ اولاد الاطهار، سيد محمد رضا طباطبايى تبريزى، چاپ ۱۳۰۴ ق، تبريز، ص ۸۹؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ص ۷۶۳.

۳. شيخ مولا محمد مهدى بنابى حائرى (متوفى ۱۳۴۱ ق/ ۱۹۲۲ م) عالم فاضل و عابد زاهد.

تاريخ تولد وى دانسته نيست، اما در بناب يکى از شهرهاى آذربايجان ديده به جهان گشوده و پرورش يافته و مقدمات علوم را در همانجا آموخته، سپس به تبريز عزيمت کرده و نزد بزرگان و اساتيد آن ديار، دانش فرا گرفته و پس از چندي به عتبات عاليات مهاجرت نموده و در نجف اشرف سکونت اختيار کرده و به تکميل معلومات خویش پرداخته و در جلسات درس شخصيتهاى بزرگى مانند علامه حاج سيد حسين کوه کمرى، مولا فاضل ايروانى، شيخ محمد حسن مامقانى، ميرزا حبيب الله رشتى، حضور پيدا کرده و از آنان استفاده نموده و از برخى از آنان اجازه دريافت کرده و از شيخ مرتضى انصارى عالم بزرگ شيعة آن روزگار، در حالى که هنوز جوانى بيش نبود، اجازه دريافت کرد. او از سيد حسين کوه کمرى، زين العابدين مازندراني، فاضل اردکاني و فاضل ايروانى روايت کرده است.

او پس از رسيدن به مراحل بالاي علمى، به کربلاى معلی مشرف شد و در جلسات درس کسانى مانند فاضل اردکاني و شيخ زين العابدين مازندراني نيز، شرکت نمود و سپس خود مشغول به تدريس گرديد و بالاخره در حدود ۱۳۴۱ قمرى در همان کربلا ديده از جهان فرو بست و در همانجا نيز، به خاک سپرده شد. آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله چنانکه خود نيز، اشاره کرده، از وى اجازه دريافت نموده است: الاجازة الكبيرة مرعشى، ص ۲۱۵.

۷۳. ومنهم: شیخ حسین آل عصفور بحرانی^۱، پسر برادر و شاگرد صاحب حدائق که مقتل معروفی دارد و تتمه و تکمیلی بر حدائق نوشته است.
۷۴. ومنهم: آخوند ملا عبد السمیع الیزدی^۲، تلمیذ صاحب ضوابط.

۱. حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن احمد بن عصفور بن احمد بن عبد الحسین بن عطیة بن شیبۀ درازی شاخوری بحرانی (متوفی ۱۲۱۶ ق/ ۱۸۰۲ م) فقیه، محدث، متکلم، مفسر و شاعر و پسر برادر صاحب حدائق و شیخ اخباریان در روزگار خویش.

وی از پدر خود و از عمویش شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق و شیخ عبد علی بحرانی دانش آموخته و اجازه‌ای مفصل از عموی خویش دریافت کرده است. این اجازه همان کتاب معروف لؤلؤة البحرين است که صاحب حدائق برای او و شیخ محمد پسر عمویش صادر کرده و در مقدمه و مؤخره آن به صراحت از آنان نام برده است. کسانی چون شیخ احمد احسانی، شیخ عبد المحسن احسائی، شیخ حسن احسائی، شیخ علی بن شیخ عبد الله بن یحیی جد حفصی، شیخ محمد بن خلف ستری بحرانی، شیخ محمد علی قطری بلادی بحرانی، شیخ عبد علی قضیب قطیفی و شیخ مرزوق شویکی خطی، از او روایت کرده‌اند. او در شب یکشنبه ۲۱ شوال ۱۲۱۶ در همان شاخور دیده از جهان فرو بست و به قولی در همانجا به خاک سپرده شد و مزارش مشهور است، اما در قولی دیگر وی در کربلا مدفون است. او دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است: «الفحة القدسیة فی فقه الصلاة الیومیة»؛ «المصایب اللوامع - یا - الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی در ۱۴ جلد؛ «منظومة فی اصول الدین» ناتمام؛ «مفاتیح الغیب و التبیان فی تفسیر القرآن»؛ «العوامل السماعیة و القیاسیة»؛ «الرواشح السماویة فی شرح کفایة المحقق»؛ «السوانح فی شرح بداية الحر العاملی». آثار چاپی او عبارتند از: «عیون الحقایق الناظرة فی تتمه الحدائق الناظرة»، نجف، ۱۳۴۲ ق؛ «فوارح الحسینیة و الفوادح البینیة»، بمبئی، ۱۳۱۲ ق؛ «الحیوة»، تهران، ۱۳۱۹ ق؛ «مولود الامام الحسین بن علی (علیه السلام)»، نجف، بی تاریخ؛ «الانوار الوضیة فی العقائد الرضویة»، قم، ۱۳۶۵ ش؛ لؤلؤة البحرين، ص ۴؛ کشکول بحرانی، ۴۴۲/۳-۴۴۸؛ روضات الجنات، ۲۰۶/۸ ذیل شرح حال شیخ یوسف بحرانی؛ انوار البدرین، ص ۲۰۷-۲۱۱؛ ایضاح المکنون، ۱۴۶/۱؛ اعیان الشیعة، ۱۴۰/۶؛ مستدرکات اعیان الشیعة، ۹۳/۲؛ فوائد الرضویة، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ص ۴۲۷-۴۲۹؛ هدیة العارفین، ۳۳۰/۱؛ ریحانة الادب، ۲۳۱/۱؛ الذریعة، ۱۸۸/۱، ۴۸۵، ۴۸۹، ۴۹۳ و ۱۰۲/۲ - ۴۳۱ و نک (فهرس اعلام الذریعة، ۶۸۱/۱-۶۸۲)؛ کشف الحجب و الاستار، ص ۶۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۸۶۴/۲؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، مشار، ص ۶۴۳، ۶۸۴، ۹۳۷؛ اثر آفرینان، ۶۷/۱؛ آینه دانشوران، ص ۳۵۸؛ شهیدان راه فضیلت، ص ۴۵۶-۴۶۱؛ مکارم الآثار، ۵۶۹/۲-۵۷۳؛ موسوعة شعراء البحرين، ۱ و ۲/۳۳۳-۳۳۸.

۲. مولا عبد السمیع یا محمد سمیع بن محمد علی بن احمد بن محمد سمیع ملقب به «نظام الدین» (زنده ۱۲۶۰ ق/ ۱۸۴۴ م) عالم فاضل و فقیه اصولی.

تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما در یزد زاده شده و مقدمات علوم را آموخته، سپس به عتبات عالیات رفته و در کربلا مقیم شده و از آقا محمد حسین بن محمد اسماعیل یزدی حائری و سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط دانش آموخته و در شمار شاگردان خاص صاحب ضوابط در آمده است و همچنین از فاضل ادرکانی نیز، استفاده کرده است. وی قریحه شعری داشت و خط زیبایی می‌نوشت و کتابهای زیادی را استنساخ کرده بود. از آثار او می‌توان شرح اسنادلالی مفصل او بر کتاب «نتایج الافکار» استادش صاحب

۷۵. ومنهم: آخوند ملا عبد الکریم ایروانی^۱، از جمله تلامیذ صاحب ریاض و از

→ ضوابط به نام «مناهج الاسرار فی شرح نتایج الافکار» دانست که تألیف آن حدود هفت سال به طول انجامید و در دوم ربیع الاول ۱۲۶۰، به پایان رسید. از دیگر آثارش «سفینه الاحکام» در فقه و در چند جلد؛ «العروة الوثقی» ارجوزه‌ای در نحو که سید علی عطیفة کاظمی آن را با نام «نیل المرام و در النظام» شرح کرده است و نسخه‌ای از این شرح را آقابزرگ تهرانی در کتابخانه سماوی در نجف دیده است. کتاب «نتایج الافکار» استادش را در بمبئی و در ۱۲۵۸ قمری چاپ کرده است. نسخه‌هایی از «مناهج الاسرار فی شرح نتایج الافکار» وی به شماره‌های ۵۲۳۵، ۵۲۳۶ و ۵۲۳۷ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی^ع موجود است و نسخه‌ای از «شرح الفیه ابن مالک» وی به شماره ۹۸۲۴ در همین کتابخانه وجود دارد. اثر دیگر او: «غایة المسؤل و نهاية المأمول» در علم نحو است: تکملة نجوم السماء، ۴۵۸-۴۵۷/۱؛ دانشمندان یزد، ص ۵۹؛ مصنفات شیعه، ۷۲/۵؛ فرهنگ سخنوران، ۹۴۲/۲؛ اعیان الشیعة، ۱۶/۸؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ص ۶۱۳، ۷۳۴-۷۳۵؛ الذریعة، ۴۵۹/۱، ۵۰۳ و ۱۹۳/۱۲ و ۳۶۹/۱۳ و ۹۸/۱۴ و ۲۵۰/۱۵ - ۲۵۱ و ۲۲/۱۶ و ۳۴۲/۲۲ و ۸۳/۲۳ و ۴۴۸/۲۴؛ تراجم الرجال، ۲۹۲/۱ - ۲۹۴؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ۹۸۸/۲ - ۹۸۹.

۱. حاج ملا عبد الکریم بن ابی القاسم بن محمد ایروانی تبریزی قزوینی ملقب به «مولی باشی» (۱۲۲۰-۱۲۹۴ ق/ ۱۸۰۵-۱۸۷۷ م) فقیه اصولی، محقق مدقق، عالم جلیل القدر و از مشاهیر فضلا و افاحم علما.

ایشان در اردبیل تحصیل کرده، اما نامی از اساتید وی برده نشده است و سالها در قزوین سکونت داشت و افراد بسیاری به حلقه درس او حاضر می شدند که از آن میان می توان به افرادی مانند میرزا محمدعلی فرزندش، مولا آقا قزوینی (متوفی ۱۳۰۷ ق)، مولی حبیب رشتی که در قزوین نزد وی درس خوانده است، فتح الله قزوینی، ملا علی قارپوزآبادی زنجانی، فاضل ایروانی و صاحب قصص العلماء، اشاره کرد.

در برخی منابع نوشته شده که وی نزد صاحب ریاض و پسرش سید محمد مجاهد، دانش آموخته و سپس به قزوین بازگشته و این نشان می دهد که وی مدتی در عتبات عالیات و کربلا بوده است.

بعضی نوشته اند که وی در چهارشنبه ۱۴ صفر ۱۲۹۴، در تبریز، چشم از جهان فرو بسته و در همانجا در مقبره ملا باشی، به خاک سپرده شده است. در منابع دیگر آمده که او در کربلا مدفون است.

فرزندان وی، میرزا فضلعلی متخلص به «صفا» ادیب و شاعر بوده و در ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ قمری، دیده از جهان فرو بسته و حاجی میرزا علی ملا باشی در مملکت آذربایجان بوده که بعدها مجاور کربلائی معلی گردید. برخی نوشته اند که او فرزند پسر نداشت و نوه دختری داشته است. به هر حال وی از عالمان قزوین، در روزگار سلطان محمدشاه قاجار بوده است.

در شرح حال وی نوشته اند که وی در اصول عجز داشت و به تدریس رغبتی نشان نمی داد و از آثار اوست: «رساله ای در اصل برائت» که باقی نمانده و ناتمام بوده است؛ «حواش علی کتاب الطهارة من الرياض» که یک فائده از آن در «مشارق الاصول» چاپ شده است؛ «رساله قواعد النحو والصرف فی لغة الفرس» که گویا در مدرسه بروجردی در نجف اشرف موجود است و در تبریز در ۱۲۶۲ قمری، چاپ و منتشر شده است؛ «مختصر العروض»، چاپ تبریز، در ۱۲۶۲ قمری؛ «رساله عروض»، به زبان فارسی که آقابزرگ تهرانی، آن را دیده است و برای فرزندش میرزا محمد علی نوشته و در تبریز، در ۱۲۶۴ قمری، منتشر گردیده است؛ «لغت فارسی» که به نام محمد شاه قاجار و برادرش بهمن میرزا حاکم آذربایجان نوشته و نسخه‌ای از آن به شماره ۶۳۵۶ در کتابخانه ملک موجود است و شاگردش ملا فتح الله شاردی قزوینی، تقریرات درسی او را به نام «مجمع المسائل الحاوی للاقوال والدلائل»، در ۱۲۴۷ قمری نوشته است که به شماره ۱۶۶۶ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی^ع موجود است: رجال آذربایجان در

مشاهیر مدرّسین بود.

۷۶. **ومنهم:** الحاج شیخ هادی الرشتی^۱، توفی نهار ۱۷/ع ۱ سنه ۱۳۲۳ و دفن فی وادی الصّفاء بکربلاء.

۷۷. **ومنهم:** الحاج شیخ عبد الحسین الهمدانی^۲، توفی سنه ۱۳۲۱. کان عالماً، تقیاً من شرکاء والدی فی الدرس. دفن فی وادی الصّفاء بکربلاء.

۷۸. **ومنهم:** الحاج الشیخ محمّد حسین المازندرانی الحائری^۳ بن العالم الشهیر الشیخ زین العابدین المازندرانی الحائری من رؤساء العلماء فی کربلاء المقدّسة. ولد فی کربلاء المقدّسة و درّس بها واختصّ ببحث والده الجلیل و لمّا توفی ابوه قام مقامه فی المرجعیّة والتدریس والامامة وصار مقلّداً ببلاد الهند وطبع حواشیه علی رسالة والده وكان - ۱۱۱۷ - من المشاهیر الشخصیات المروفة فی کربلاء المقدّسة وأعجوبة فی الاحاطة بالمسائل الفقھیة والوقوف علی مدارکها وكأنّه کان حافظاً لا کثر موارد کتاب الجواهر والناظر. توفی فی سنه ۱۳۳۹ فی الکاظمیة وحمل الی کربلاء

→ عصر مشروطیت، ص ۱۲۵؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۳۵۸؛ نجوم السماء، ص ۴۳۷؛ قصص العلماء، ص ۹۳-۹۴؛ مکارم الآثار، ۳/۶۸۷-۶۸۹؛ تنقیح المقال، ۲/۲۱۱؛ مینودر یا باب الجنة قزوین، ۲/۲۷۸، ۳۶-۶۳۹؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ۲/۲۵۷۰ و ۴/۴۶۴۰؛ مجله یادگار، سال سوم، شماره ۶ و ۱۱۱/۷؛ فوائد الرضویة، ص ۲۳۹-۲۴۱؛ اعیان الشیعة، ۸/۴۳؛ تراجم الرجال، حسینی، ۱/۴۳۰؛ مطرح الانظار، ص ۱۵۳؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۳/۹۱۱؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ص ۷۵۸-۷۵۹؛ الذریعة، ۲/۱۱۴ و ۶/۱۰۰ و ۸/۱۵۸ و ۱۳/۱۳۲ و ۱۵/۲۵۵ و ۱۷/۱۹۰ و ۱۸/۳۳۳ و ۲۴/۳۵۲.

۱. شرح حالی از شیخ هادی رشتی، در منابع نیافتیم.

۲. از شیخ عبد الحسین همدانی نیز، مطلبی در منابع یافت نشد.

۳. شیخ حسین یا محمّد حسین بن زین العابدین بن مسلم بارفروشی مازندرانی حائری (۱۲۷۳-۱۳۳۹ ق/۱۸۵۶-۱۹۲۱ م) عالم جلیل القدر و فقیه فاضل الشان و مرجع تقلید گروه زیادی از شیعیان. تاریخ تولد وی دانسته نیست، ولی در کربلا دیده به جهان گشوده و در دامن پدرش که یکی از علمای بزرگ روزگار خود و از مدرّسین و مراجع تقلید به شمار می‌رفت، پرورش یافت و دانش آموخت و از دیگر بزرگان نیز، کسب فیض کرد و خود در شمار علمای بزرگ در آمد و از پدر اجازه دریافت نمود و آنگاه که پدرش دیده از جهان فرو بست، وی قائم مقام او در مرجعیت، امامت جماعت و تدریس گردید و شروع به تألیف کرد که از آن جمله حاشیه‌هایی است که بر «رسالة عملیة» پدر خود نوشت که همراه آن چاپ شده است. او در شوال ۱۳۳۹، در کربلا و در ۶۶ سالگی در گذشت و در مقبره خانوادگی خود در صحن شریف، به خاک سپرده شد و فرزندش آغا احمد مازندرانی حائری، به جای وی نشست و به امامت جماعت پرداخت و فرزند دیگرش شیخ باقر مازندرانی حائری بود که پس از تحصیل به مازندران رفت و مرجع مردم گردید: اعیان الشیعة، ۶/۲۶ (که سال وفات وی را ۱۲۳۰ قمری نوشته است)؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ص ۵۸۶؛ الذریعة، ۱/۱۸۴ و ۲۴/۱۳۶؛ ریحانة الادب، ۵/۱۴۶؛ گنجینه دانشمندان، ۷/۳۷؛ الاجازة الکبیرة، ص ۳۳، ۱۶۸.

المقدسة ودفن مع ابيه في مقبرتهم الواقعة على يسار الداخل من باب قاضي الحاجات للصحن الشريف الحسيني.

يروى عن جماعة منهم: والده الفقيه الحاج الشيخ زين العابدين المازندراني واروي عنه.

٧٩. ومنهم: الشيخ ضيف الله اللكهنوي الهندي.

ولد في سنة ١٢٨٥ و تعلم المبادي والمقدمات في لكهنو وهي بلدة من بلاد الهند، ثم نزل كربلاء المقدسة و حضر عند الفاضل الاردكاني والشيخ المازندراني، ثم انصرف بالتدريس وكان يدرّس الكتب الاربعة وغيرها من كتب الاحاديث. توفي حدود ١٣٤١ في الحائر الشريف الحسيني ودفن في الوادي الايمن من مقابر كربلاء.

يروى عن جماعة منهم: صاحب العبات بطرقه المذكورة و لشيخنا المولوي ضيف الله مؤلفات، منها كتاب في بطلان العول والتعصيب.^١

٨٠ الشيخ يحيى الزرندي الحائري. كان من العلماء والمدرسين ودرس في العتبات المقدسة. اجازني وأخبرني بأساتذته ومشايخه.^٢

٨١ الشيخ محمد باقر بن محمد تقي الاصفهاني الحائري مؤلف هداية المسترشدين في شرح معالم الدين كان يدرّس عند اعلام اصفهان وبعد وفاة ابيه هاجر الى النجف الاشرف، فحضر بحث الميرزا حبيب الله الرشتي والميرزا حسين الخليلي والمولى محمد كاظم الخراساني و سكن الكاظمية برهة من الزمن وكان لا يرغب العودة الى اصفهان الى أن اضطرّ الرجوع اليها وبقي منزوياً لا يجتمع بالناس إلا للضرورة و يقيم في المسجد الصلاة وياتم به جماعة من المؤمنين.

توفي في سنة ١٣٧٠، فحمل جثمانه حسب وصيته الى العراق ودفن في صحن مولانا العباس في كربلاء المقدسة.

يروى عن عدة منهم: الحجة المحقق آية الله الميرزا محمد تقي الشيرازي الحائري و آية الله الشيخ الشريعة الاصفهاني و آية الله الطباطبائي اليزدي صاحب العروة و آية الله الخراساني صاحب الكفاية و آية الله الاستاذ السيد ابي محمد الحسن صدر الدين

١. الاجازة الكبيرة، ص ٦٦-٦٧.

٢. همان، ص ٢٤٠.

الكاظمي بطرقهم.^١

٨٢. ومنهم: الشيخ محمدرضا بن محمدتقي الفرقاني الجرقويه اي الاصفهاني الحائري.^٢

ولد في سنة ١٣٠٥ وقرأ المقدمات والسطوح في اصفهان عند المولى محمّد حسين الدهنوي والسيد مهدي الدرجه اي والميرزا احمد المدرّس الاصفهاني والمولى عبد الكريم الجزبي، ثمّ حضر بحث المولى محمّد الكاشي في المعقول والميرزا ابوالقاسم الاحمدآبادي في الطب وفي اوائل سنة ١٣٢٩، هاجر الى النجف، فحضر قليلاً بحث الآخوند الخراساني وبعد ذلك حضر دروس السيّد الطباطبائي اليزدي والسيّد محسن الكوه كمرى.

ثمّ عاد الى اصفهان وحضر بحث السيّد محمّد باقر الدرجه اي والسيّد محمّد النجف آبادي وفي سنة ١٣٣٧ حجّ بيت الله الحرام و عاد الى النجف وحضر بحث السيّد أبي الحسن الاصفهاني والشيخ ضياء الدين العراقي والميرزا على آقا الشيرازي و الميرزا محمّد حسين النائيني والشيخ محمّد حسين الاصفهاني وفي سنة ١٣٣٩، عاد الى ايران، وبقي مدّة في قم مستفيداً من بحث الشيخ عبد الكريم الحائري وبعد فترة رجع الى العتبات ونزل كربلاء المقدّسة واشتغل بالتدريس والامامة الى أن توفّي في سنة ١٣٩٣ ودفن في كربلاء المقدّسة.

له مؤلّفات منها: ازالة الريبة عن حكم صلاة الجمعة في زمن الغيبة وغيره. فهو يروي عن عدّة، منهم: السيّد أبي تراب الخوانساري والسيّد أبي القاسم الاصفهاني النجفي والحاج آقا حسين الطباطبائي القمي عن ثقة الاسلام الميرزا حسين النوري والسيد محمّد علي الشاه عبد العظيمي والسيد احمد الطهراني الكربلائي بطرقهم.

١. همان، ص ١٥٢.

٢. همان، ص ١٨٧-١٨٨.